



می‌توان غرب را غربال کرد؟

چگونگی مواجهه با غرب و تجدّدش، دست‌کم در یک‌صد سال اخیر، از مهم‌ترین مسائل ایرانیان بوده است. اوائل که درکی سطحی از تجدّد وجود داشت، بعضی از «غرب‌پذیری» کامل گفتند و برخی هم بر طبل «غرب‌ستیزی» کوفتند. در این میان، کسانی هم سودای «غرب‌پالایی» و گزینش‌گری آن را در سر پروردند. انقلاب اسلامی، تبلور این راه سوم - در برابر کهنه‌پرستی و نوگرایی افراطی - بود و بنا داشت طرحی متفاوت در اندازد که نیکویی‌های قدیم و جدید را هم‌زمان داشته باشد. ناگفته نماند که پهلوی هم به گونه‌ای دیگر، از این مسیر رفته بود و درصدد پالایش غرب و گزینش پاره‌هایی از تجدّد بود، که البته فرجام نوسازی ناموزون و نیاندیشید^۱ پهلوی، شد «انقلاب اسلامی ۱۳۵۷». یکی از بزرگان اندیشه که روزگاری مدافع نگاه گزینشی به تجدّد بود*، اما در سال‌های اخیر در نقد رویکرد سوم بسیار گفته/نویشته، دکتر «رضا داوری اردکانی»، استاد بازنشست^۲ گروه فلسف^۳ دانشگاه تهران و رئیس کنونی فرهنگستان علوم است.

*دکتر داوری اردکانی پس از مطالعه یادداشت آقای دانشمندی، ضمن تشکر از یادداشت ایشان، اظهار داشتند که من هرگز مدافع نگاه گزینشی به تجدّد نبوده‌ام .

الف) «گزینش» محال و بیهوده است

چهر^۴ ماندگار فلسفه در سرمقال^۵ شمار^۶ شصت‌وششم نشر^۷ فرهنگستان علوم (مرداد ۱۳۹۶) با

عنوان «تأملی در باب هوش و خرد و نسبت شدن با زمان» می‌نویسد جهان در حال توسعه (با معیار و مبنا قراردادن خودش)، تلقی کم‌مایه‌ای از «تجدد» دارد، و می‌اندیشد که: اولاً، مدرنیته مجموعه‌ای از خوب‌ها و بدهاست، و ثانیاً، می‌توان خوب‌هایش را برگزید و بدهایش را فرو نهاد. گرچه داوری تأکید دارد که «تاریخ را با گزینش نمی‌سازند»، اما اذعان دارد که با مطلق گزینش (امکان گزینش) نمی‌توان مخالفت کرد، و باید به «شرایط» آن اندیشید. گزینش از منظر او دست‌کم دو شرط دارد: نخست، موقوف به وجود «خرد تجدد» (خرد سازواری) است و دوم، موکول به درک نسبت و ارتباط اجزاء تجدد با یکدیگر و با اصول آن است. ظاهراً اکنون و اینجا، شروط بیان شده به اندازه‌ای دست‌نیافتنی هستند که داوری «گزینش» را سودایی خام، محال و بیهوده توصیف می‌کند که در «عمل» محقق نمی‌شود. از نظر او «چنین خیال خامی تنها سبب پریشانی فکر مردمان می‌شود، حجاب بی‌خردی و ناتوانی می‌گردد، و برای بی‌عملی و بی‌فکری زمان می‌خرد و فرصت‌سوزی می‌کند». داوری با فرض امکان «انتخاب»، در اجرای چنین پالایشی (غریبال خوب‌ها از بدها) تردید دارد و می‌پرسد: «اگر این امکان بود چرا تاکنون به جای خوب‌ها در بسیاری موارد بدها را گزینش کرده‌اند یا خوب‌هایی را که گزینش کرده‌اند، خوب نامیده و بد شده است.»

ب) تجدد سفره، انبار یا فروشگاه نیست

داوری در نشست خرد و توسعه (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات / ۲۴ مهر ۱۳۹۶) هم گفته بود: غرب و تجدد ما را درگیر خودش کرده و تجدد سفره‌ای نیست که بتوان از آن بخشی را انتخاب کرد. تجدد در بهترین صورت نظمی است که علم، فرهنگ، سیاست و ... دارد و همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. به نظر این استاد فلسفه، «تاریخ تجدد مجموعه‌ای از وسایل و کالاهای و اشیاء پراکنده نیست» و ما در برابر کالاهای عرضه شده در بازاری نیستیم که هرچه می‌خواهیم برداریم و آن‌چه را که نیاز نداریم واگذاریم، بلکه با تاریخی مواجهیم که جریان دارد و در آن محدودیت‌ها و امکان‌هایی هست.

ج) پیامد تجدد گزینشی

داوری در سرمقاله شصت‌وهشتمین نشریه فرهنگستان علوم (اسفند ۱۳۹۷) رویکرد گزینشی به تجدد را در دسرساز دانسته و می‌نویسد: وقتی شئون تجدد، بی‌توجه به جایگاه و پیوستگی‌های آن‌ها در جایی که نمی‌دانیم مناسب است یا نه، قرار گیرند، راه به تحقق تجدد نمی‌برند، خیلی زود دچار مشکل و چه بسا مشکل‌زا می‌شوند. جامعه و کشوری که داشته‌ها و فرآورده‌های تجدد را صرفاً به حُکم تقلید یا برای مصرف و نه به عنوان یک سیستم به هم پیوسته می‌گیرند، دچار مشکل‌هایی می‌شوند که نمی‌دانند آن مشکل‌ها از کجا و چرا آمده است. چرا؟ داوری در سرمقاله شماره شصت‌وچهارم نشریه فرهنگستان علوم (بهمن ۱۳۹۶) درباره ترکیب ات‌حادی (و انضمامی) جامعه توضیح داده است. از نظر او هم اجزاء و شئون جامعه در وحدت و نظم و در نسبت با یکدیگر تعین خاص می‌یابند (ترکیب ات‌حادی) خطا، از نظر این استاد فلسفه آن است که ترکیب جامعه «انضمامی» انگاشته و تصور شود که «هر یک از اجزاء، وجود مستقل دارند و می‌توان آن‌ها را از جای خود برداشت و به هر جای دیگر برد. غافل از این‌که چون این شئون از پشتیبانی باطن برخوردار نیست و عقل سازنده آن را راه نمی‌برد، [در نتیجه] ظاهری بیش نیست و ناقص و لنگ و ناتوان است. از این کنار هم گذاشتن، جز صورتی از تجدد حاصل نمی‌شود که آن‌هم تجددمآبی پژمرده و بی‌روح است.»